



فقیهی بصیر و حکیمی مجاهد

آیت‌الله حسینی بوشهری، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

آیت‌الله مصباح یزدی، عالمی عامل و فقیهی بصیر و زمان‌شناس و حکیمی مجاهد و مسئولیت‌شناس و از پیشگامان نهضت اسلامی و از یاران و یاوران حضرت امام خمینی‏ رحمه‌الله و مقام معظم رهبری و عضو مطرح مجلس خبرگان رهبری و جامعه مدرسین بود.

آیت‌الله مصباح یزدی در سه بخش، مبارزه با دستگاه جبار طاغوت، مبارزه ایدئولوژیک در مقابل دیدگاه‌های مارکسیستی در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب و مبارزه با لیبرال‌ها، غرب‌زده‌ها و سکولارها فعالیت داشت.

مرحوم مصباح یزدی چهره اسلام زلال و ناب را در مبارزاتش به مردم ایران نشان می‌داد و این انسان شجاع، زمان‌شناس و مرد میدان در صحنه‌های مختلف بود و همه زخم‌زبان‌ها را به جان خرید.

آیت‌الله مصباح یزدی‏ رحمه‌الله در خصوص حوزه علمیه دغدغه‌مند و معتقد بود، حوزه بعد از انقلاب، با حوزه قبل از انقلاب باید فرق داشته باشد؛ چراکه رسالتش فرق کرده و اساتید و طلاب باید مسلط به علوم روز باشند و با زبان روز با مخاطب سخن گویند.

ایشان حقیقتاً اهداف بلندی را برای تحول حوزه علمیه داشتند که تبلور آن را می‌توان در مؤسسه امام خمینی‏ رحمه‌الله مشاهده کرد و امیدواریم، این نگاه تحول‌گرایانه، در سایر بخش‌ها و نهادهای

واقعاً مصباح بود...

آیت‌الله شب‌زنده‌دار، عضو جامعه مدرسین و فقهای شورای نگهبان

ابعاد وجودی آیت‌الله مصباح‏ رحمه‌الله فراوان هست؛ اما در سه بعد عریض مختصری را عرض می‌کنم:

بعد اخلاقی و معنوی و سلوکی آن بزرگوار، بعد علمی و فرهیختگی ایشان در مباحث نظری و علمی و بعد سوم، در خدمات مختلف حوزوی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن بزرگوار. از نظر بعد معنوی و سلوکی و اخلاقی، باید گفت موفقیت‌های ایشان در ابعاد مختلف نیز از همان بعد معنوی و سلوکی و اخلاقی ایشان ناشی می‌شود.

در نظام روحانیت و طلبگی و خدمت‌گزاری به اسلام و سربازی حضرت بقیة‌الله الاعظم (ارواحنا فداه)، مسئله تقوا و سلوک و معنویت و تهذیب نفس، بُعد اهم و اصلی کار است.

اگر عالم بخواهد در جامعه مؤثر باشد و وظایفی که برعهده اوست، به‌نجو شایسته‌ای انجام بدهد، شرط اصلی و اساسی او عبارت است از بعد معنوی، تقوایی و الهی او.

شما می‌بینید درباره اولیای بزرگ اسلام و معصومین‏ علیهم‌السلام وارد شده است که «بعد ان شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنّیة»؛ بعد از این‌که خدای متعال این شرط را با آن‌ها گذاشت، آن‌وقت آن مناصب و مراتب و وظایف را برعهده آن‌ها گذاشته و لذا این بخش را مقدم داشته است.

فراوان بود؛ ولی من مشاهده کردم که آیت‌الله مصباح خم

شدند و دست مرحوم آقای عمری را بوسیدند! چرا؟ برای این‌که آقای عمری در آن محیط، چراغ تشیع را روشن نگاه

داشتند و خادم اسلام بودند.

● **بسیار اهل بکاء بودند**

ایشان اهل بکاء بودند. یک وقتی به منزل ایشان می‌رفتم و کتاب بحارالانوار خوانده می‌شد؛ وقتی روایات بحارالانوار خوانده می‌شد، ایشان های‌های می‌گریستند. شاید در علن خیلی بکاء از ایشان دیده نمی‌شد؛ اما در خفاء و جاهای خاص با بعضی از طلاب و افرادی که در خدمت ایشان بودند، این موضوع مشاهده می‌شد. این‌ها نشان می‌داد که این معارف و مطالب چگونه در جان



● **ارتباط صمیمی و خالصانه با خدا در زندگی روزمره**

من از ابتدای نوجوانی و تحصیلات حوزوی، با این بزرگوار آشنا شدم. آن‌چه که در ایشان بسیار بسیار مبین بود، تهذیب نفس بود و توجه ایشان به این‌که رابطه خود با خدای متعال، رابطه صحیحی باشد.

از باب نمونه، منزل ایشان با مسجد فاطمیه که حضرت آیت‌الله‌العظمی بهجت‏ رحمه‌الله نماز اقامه می‌کردند، فاصله داشت؛ اما ما مشاهده می‌کردیم که ایشان مقید بودند، در نمازهای ظهر، عصر حضرت آیت‌الله بهجت شرکت کنند.

● **تهذیب نفس و تواضع در برابر اهل علم**

نمونه دیگری که باز آیت‌الله مصباح موفق بود و خدای متعال این نعمت را به ایشان ارزانی کرده بود، تهذیب نفس بود و ایشان می‌توانست، بر خواسته‌های نفسانی خود مسلط باشد؛ لذا با مراتب علمی بالایی که ایشان داشت، خیلی متواضع بود و در مقابل کسانی که می‌دید، خدمت خالصانه به اسلام و مکتب تشیع و اهل بیت‏ علیهم‌السلام می‌کنند، واقعاً خاضعانه دست آن‌ها را می‌بوسید!

یادم هست در مدینه منوره به‌اتفاق ایشان خدمت عالم بزرگوار شیعی آقای عمری‏ رحمه‌الله رسیدیم. با وجود این‌که فاصله علمی آیت‌الله مصباح یا مرحوم آیت‌الله عمری



استاد بزرگوار ما مرحوم علامه مصباح‏ رحمه‌الله، یک فقیه، مفسر، فیلسوف، جامعه‌شناس و انسان‌شناس بودند. جامعیت ایشان به تفکر ایشان، پختگی و برجستگی خاصی می‌داد. بسیاری از بزرگان ما در چند دهه اخیر، در فلسفه احاطه خوبی داشتند؛ لکن از نظر فقهی صاحب‌نظر نبودند و یا حضورشان در صحنه اجتماع و سیاست کم‌رنگ بوده است. دلیل حضور کم‌رنگ آن عزیزان در مسائل اجتماعی و سیاسی، به‌رغم تسلط کافی بر مبانی حکمی و فلسفی، عدم تسلط آن‌ها بر مبانی فقهی است؛ اما امتیاز علامه مصباح این بود که افزون بر حکمت و فلسفه، بر مبانی فلسفی قدیم و جدید مسلط بودند و در فقه نیز، یک فقیه ذوابعد و تمام‌عیار بودند. تسلط بر ابعاد مختلف فقهی بود که ایشان را در مسائل اجتماعی و سیاسی نه‌تنها دارای مکتب و اندیشه خاص معرفی کرد؛ بلکه در جریان و مکتب اجتماعی سیاسی خود محکم و نفوذناپذیر بودند و این امر به‌دلیل عمق بینش فقهی ایشان بود.

یکی از نشانه‌های بارز تسلط فقهی استاد بزرگوار مرحوم علامه مصباح یزدی‏ رحمه‌الله، عمق و جامعیت مباحث حکومت اسلامی و ولایت فقیه ایشان است. البته ایشان همچون بسیاری از بزرگان، به اقتضای زمان حرکت و عمل می‌کرد. به‌عنوان نمونه حضرت امام‏ رحمه‌الله در یک دوران ضعف فلسفه در حوزه علمیه، به تدریس فلسفه پرداختند و زمانی که مرحوم علامه طباطبایی آن را رونق دادند، حضرت امام به تدریس فقه و اصول پرداختند.

فقیه و عالم مسئولیت‌شناس نیز، همین‌گونه عمل می‌کند و بر اساس نیاز جامعه و زمان خود تلاش می‌کند. استاد بزرگوار ما حضرت علامه مصباح در آن دوره پیش از انقلاب و اوائل انقلاب که دوره چالش‌های اعتقادی و فکری و فلسفی بود، احساس کردند که وقت خود را بیشتر در زمینه مسائل مربوط به بنیادهای اعتقادی انقلاب مصروف بدارند و آثار ماندگاری را خلق کنند.

اگر وجود ایشان نبود، ما شاهد این استقامت فکری در بدنه انقلاب نبودیم. بدنه اصلی انقلاب را همین جریان مستقیم و سالم تشکیل می‌دهد. این فکر بعد از فقدان بزرگانی همچون علیم طباطبایی و علامه مطهری‏ رحمه‌الله توانست قوام بگیرد؛ یعنی کسی که بعد از آن دو بزرگوار، این بدنه را قوام ببخشد و در برابر چالش‌ها و تهاجم‌های اعتقادی و فرهنگی بسیار سخت و دشوار در دهه اول و دوم انقلاب بالآخر دهه دوم انقلاب قد علم کرد و



حوزوی هم، جاری شود و با همت مسئولان و نگاه مثبت حوزویان استمرار پیدا کند تا بیش از پیش، شاهد رشد و پیشرفت امور مخصوصاً بر اساس مقتضیات زمان باشیم.

اینجانب به‌سهم خود برای تحقق اهداف مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی در حوزه‌های علمیه، اعلام آمادگی می‌کنم؛ چراکه اعتقاد دارم، هرچه پیشرفت این مجموعه بیشتر باشد، افتخار و خیر و برکت آن نصیب همه ما می‌شود.

مرد خوش فکر، دقیق‌النظر، قوی‌الحجة و دارای منطق و

استدلال قوی و متین بودند.

یک وقتی خدمت یکی از مراجع بزرگوار معاصر که از دوستان و هم درسان آن بزرگوار بودند، در مورد ایشان سؤال کردم، آن بزرگوار فرمودند که از بین عِدیده‌ای از فضایی بنام، آیت‌الله مصباح از نظر استدلال و براهین عقلی و موشکافی‌ها ترجیح دارند. ایشان خوب درس خوانده، ادبیات قوی و خوبی داشت، در علوم عقلی واقعاً زحمت کشیده بود و بحث‌های کلامی، فلسفی و عقلی را به‌طور شایسته‌ای مسلط بود. ایشان این‌گونه نبود که فقط خزانه‌ای از گفته‌های دیگران باشد. یکی از جهاتی که در علوم عقلی مشاهده می‌شود، این است که معمولاً اساتیدی که متکفل این دروس هستند، در میان آن‌ها مسئله نقد، اشکال، نقض و ایرام کمتر دیده می‌شود؛ اما آیت‌الله مصباح‏ رحمه‌الله نقادانه وارد این مباحث می‌شد و موشکافانه این‌ها را بحث می‌کرد. ایشان یک انسان نظریه‌پرداز در این حوزه بود.

● **فقیه سخت‌کوش**

در بعد فقاقت ایشان زحمت کشیده بود. من خودم شاهد بودم که ایشان و بزرگانی از هم‌ترازان ایشان در مسجد آبشار در محله آبشار قم، مباحثه چند نفری داشتند و هر روز در آنجا ایشان و حضرات آیات مظاهری، مرحوم آیت‌الله یزدی و بعضی از فضایی بزرگ دیگر، جلسه مباحثه فقه کمپانی داشتند. سالیان متمادی این جلسات فقهی را برگزار می‌کردند. ایشان ۱۵ سال در درس خارج مکاسب مجرمه و بیع و خیارات مرحوم آیت‌الله‌العظمی بهجت شرکت می‌کردند؛ علاوه بر درس‌های مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی و مرحوم آیت‌الله‌العظمی امام خمینی ایشان شخصیتی بود که هم استادان برجسته در این ابواب دیده بود و هم خود ایشان در این باب زحمت کشیده بود و مطالعات و مباحثات فراوانی داشتند.

دیگر نمی‌توانید در عصر غیبت و ظهور، حاکمیتی برای غیرخدا قائل شوید. اگر قائل به توحید حاکمیت شدید، دیگر نمی‌توانید برای غیر از خداوند متعال، منشأی برای انتخاب حاکم قائل شوید؛ در گرینش فرمان‌روا منبع و مبنائی به‌جز خداوند قائل شوید؛ بلکه آن را یک تکلیف برای مکلفین می‌دانید. این‌ها مسائلی است که بعضی از فقها در این مسائل لغزیدند و دلیل لغزش آن‌ها، عدم عمق فلسفی و فکری آن‌ها بوده است.

مرحوم علامه مصباح به‌دلیل ورع شدید، متصدی فتوا نشدند؛ همچنین به‌دلیل این‌که احساس می‌کردند، وظیفه شرعی ایشان چیز دیگری است و برای تصدی فتوا افراد دیگری وجود دارند که شایسته و لایق ورود در این عرصه هستند و به‌قدر کافی هم وجود دارند. اگر ایشان متصدی افتا می‌شدند، قطعاً یکی از برجسته‌ترین فقهای عصر ما بودند. حضرت آیت‌الله مصباح‏ رحمه‌الله شایستگی این عرصه را در سطح بسیار بالایی داشتند.

کارهای ایشان بر اساس خوشامدی این و آن و یا هوای نفس نبود؛ بلکه همه کارهای ایشان، براساس وظیفه و تکلیف شرعی بود. این‌که ایشان از چه کاری خوشش می‌آید، از چه کاری منفعت می‌برد، مردم از چه کاری خوششان می‌آید، دیگران چه تعریفی از عملکرد ایشان دارند و... معیار گرینش و انتخاب ایشان برای یک تصمیم و انجام کاری نبود. معیار گرینش و انتخاب ایشان، فقط رضای خدای متعال و عمل به تکلیف الهی بود. ایشان در آن عرصه‌ها که احساس تکلیف می‌کردند، به‌خوبی وارد می‌شدند و تمام وجود و هستی و شخصیت خود، حتی آبرو، راحتی و آسایش خود را برای انجام آن تکلیف هزینه می‌کردند. الحمدلله در سطح بالایی و به بهترین شکل توانستند، به وظیفه و تکلیف خود عمل کنند.

● ویژه‌نامه مصباح اندیشه (۲)

تکلیف‌مداری و پاسخ‌گویی

به شبهات روز

آیت‌الله خاتمی، عضو فقهای شورای نگهبان

آیت‌الله مصباح یزدی از قهرمان مبارزه علیه شاه بود؛ ولی تحریف‌کنندگان با دروغ و تهمت، چهره ایشان را به‌گونه‌ای ترسیم کردند که گویا نقشی در مبارزات علیه شاه نداشته است؛ درصورتی‌که نشر مجله و بیانیه انقلابی ازجمله اقدامات آیت‌الله مصباح یزدی علیه شاه است.

اسناد جامعه مدرسین برای قبل از انقلاب، در هشت جلد به چاپ رسیده و هیچ بیانیه‌ای از جامعه مدرسین نیست که اسم آیت‌الله مصباح یزدی‏ رحمه‌الله در آن نباشد.

بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که در آن براندازی رژیم طاغوت به‌عنوان هدف اصلی این نهاد مطرح شده بود، به دست آیت‌الله مصباح یزدی نوشته شد و این موجب شد که نیروهای رژیم به دنبال دستگیری این شخصیت باشند.



حضور فرهنگی پرنگ در تولید اندیشه دینی، نگارش کتب راهگشا و تربیت شاگردان ممتاز و اثرگذار از دیگر ویژگی‌های آیت‌الله مصباح یزدی است. این شخصیت متوجه‌شد که دشمن، فرهنگ دینی را هدف قرار داده؛ به‌همین علت تلاش خود را در این حوزه متمرکز کرد و جایگاه امروز مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی‏ رحمه‌الله، مؤسسه در راه حق، مجموعه باقرالعلوم‏ علیه‌السلام، طرح ولایت، برگزاری جلسات عمومی برای نقد اندیشه‌های مختلف و حضور فعال در ستاد انقلاب فرهنگی، از جمله دستاوردهای این شخصیت است.

به نظر بنده در کنار صفات فراوان ایشان یک ویژگی مهم‌شان، تکلیف‌مداری و وظیفه‌مداری است. آیت‌الله مصباح در پی این بود که وظیفه و تکلیف چیست؟ و آنگاه که وظیفه را می‌فهمید، سراز پا نمی‌شناخت و جان، هستی و آبروش را در این راه می‌گذاشت. این عالم ربانی یک روز، وظیفه را مبارزه با کمونیست‌ها دید و به مقابله با آن‌ها پرداخت و همچنین در برابر القاطلی‌های سیاسی قهرمانانه ایستادگی کرد و به شهر و استان‌های مختلف رفت.

فرزند زمانه و جهانی اندیش

آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه



ارادت قلبی، عشق و شیدایی فراوانی نسبت به شخصیت والای آیت‌الله مصباح یزدی‏ رحمه‌الله دارم. از ۲۰ سالگی و در جریان انقلاب فرهنگی و مباحث مؤسسه در راه حق، با ایشان همکاری نزدیکی داشته، خاطرت علمی معنوی و اخلاقی فراوانی از آن دوران به یادگار دارم؛ تلاش، پشتکار، اخلاق و عمق نگاه و جامعیت ایشان نسبت به موضوعات وصف‌ناپذیر است.

اینکه شخصیتی حوزوی با پیشینه و دستمایه جامع و عمیق فقه، اصول، فلسفه و تفسیر، در تمام قلمروهای علوم انسانی به‌گونه‌ای ورود نموده که اساتید درجه یک رشته‌های علوم انسانی، در مقابل عمق نگاهش سرتعظیم فرود می‌آوردند، مایه شگفتی است.

ایشان در علوم پایه حوزوی، شبیه امام خمینی و علامه طباطبایی‏ رحمه‌الله بودند و جامعیت فراخوزه‌ای ایشان در رشته‌های مرتبط با علوم انسانی و اسلامی، از ایشان نابغه‌ای پدید آورده است.

آیت‌الله مصباح یزدی، فرزند زمانه بودند و شناخت درستی از زمانه، تطورات و تحولات به تمام معلومات، فروغ دیگری از ایشان را تجلی نموده، رویکرد بین‌المللی، ایشان را از معدود چهره‌های بلندنظر و جهانی‌اندیش با رویکرد بین‌المللی ساخته بود.

نوآوری علمی در عین نقادی، آزاداندیشی و ابداع در اقتناع و بیان دریچه‌های نو‌دانشی، از ویژگی‌های بارز شخصیت علمی آیت‌الله مصباح یزدی‏ رحمه‌الله است.

ایشان، نقطه عطفی در آغاز دریچه‌ای نو به مباحث علمی و طرح مباحث علوم انسانی و اجتماعی در منطق اسلامی و بیان ارتباط گفتمانی علوم انسانی و اسلامی و نیز سرفصل و آغازگر اندیشه پویا هستند.

روح انقلابی و پیشگامی در شناخت حوادث، وقایع و حضور در صحنه اقدام، تبیین و ایضاح مسائل انقلاب و کشور، از ویژگی‌های بارز شخصیت آیت‌الله مصباح یزدی است. مجموعه عمق فکری، علمی، روحی، اخلاقی، فقهی و معرفتی آیت‌الله مصباح یزدی در کمتر کسی جمع می‌شود.